

بررسی انواع اقتباس‌های قرآنی در دیوان اشعار حافظ و ابوالعتاهیه

مرتضی حیدری*

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۲۳

چکیده

دریافتن ژرفنای سروده‌های بسیاری از شاعران بزرگ جهان اسلام، بدون شناختن مایه‌های قرآنی شعر آنان ممکن نیست. در پژوهش حاضر نگارنده به تبیین، تحلیل و تطبیق جلوه‌های تأثیرپذیری سروده‌های حافظ و ابوالعتاهیه از آیات و مضامین قرآنی پرداخته و گونه‌های آن را در دیوان هر دو شاعر بازنموده است. تأثر قرآنی این دو شاعر در حوزه اقتباس‌های مستقیم و اقتباس‌های غیرمستقیم جای می‌گیرد که هر کدام، خود دارای گونه‌هایی است. نگارنده دریافته که در شعر ابوالعتاهیه در مقایسه با حافظ از برساختن و درج مضامینی مشابه تعبیرات قرآنی نشانی نیست، زیرا حافظ اکسیر کلام خداوند را بر مضامین عاشقانه، سیاسی و اجتماعی سروده‌های خود زده و با مضمون‌آفرینی، فرهنگ زبانی و اندیشگانی خود را چندصدایی کرده است، حال آنکه اقتباس‌های قرآنی اشعار ابوالعتاهیه جنبه‌ای اخلاقی و زاهدانه دارد و تک‌بعدی است.

کلیدواژگان: قرآن، اقتباس، ادبیات تطبیقی، حافظ، ابوالعتاهیه.

مقدمه

قرآن کریم از آغاز نزولش تا به امروز به دلیل مضامین والایش و نیز به خاطر زیبایی لفظی و معنوی‌اش شاعران بسیاری را مجذوب خود کرده است. این کتاب آسمانی در کنار ابعاد مذهبی، ویژگی‌های شگرف دیگری را نیز داراست که پیوسته آن را برای شعرا و ادبا به شکل یک منبع بی‌پایان نیروی بیان و یک آبشخور دل انگیز اخذ، اقتباس و الهام درآورده است (نک. شاملی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۴۴). بهره‌گیری از قرآن و حدیث در شعر، افزون بر اینکه نشانه دانشمندی و علم‌اندوزی و روشنفکری بود و این خود گونه‌ای افتخار برای گوینده شمرده می‌شد، به دلیل قداست و حرمت مذهبی و معنوی قرآن و حدیث، به سروده شاعران نیز گونه‌ای قداست و حرمت می‌بخشید و سخن آنان را برای مردمی که به قرآن و حدیث به دیده حرمت می‌نگریستند، ارجمندتر و پذیرفته‌تر می‌ساخت (راستگو، ۱۳۷۶: ۴).

بیان مسأله

برخی از شاعران مسلمان سعی در استفاده بیش از حد از قرآن و اسالیب و مضامین آن دارند تا خوانندگان را بیش از پیش مسحور اشعار خود کنند. از جمله این شاعران حافظ، شاعر طراز اول فارسی، و *أبوالعتاهیه*، شاعر مشهور عباسی، است. این دو شاعر به خاطر تأثیرپذیری فراوان از مضامین و معانی قرآن کریم جایگاه کم‌نظیری در ادب فارسی و عربی پیدا کرده‌اند. اشعار هر دو شاعر به خاطر الفت بسیار با قرآن کریم، از شیوایی، سادگی و جذابیت خاصی برخوردار گشته است.

نوع و روش تحقیق

پژوهش حاضر، از نوع پژوهش‌های نظری است و به روش تحلیل محتوای تطبیقی سامان پذیرفته؛ نگارنده، پس از استقراء و استخراج اشعار *حافظ* و *أبوالعتاهیه* و تحلیل محتوایی آن‌ها، به تبیین فرآیند تأثیرپذیری این دو شاعر و سرانجام، تطبیق آن‌ها در نتیجه‌گیری می‌پردازد. ابیات گزارش شده از دیوان هر دو شاعر بر پایه روش نمونه‌گیری شاخص (Indicator Sampling) برگزیده شده‌اند؛ یعنی ابیاتی که شناساگر انواع تازه‌ای از

اقتباس نبوده‌اند و تنها نقشی کمیت‌زا و بدون نتیجه داشته‌اند، از این پژوهش کنار گذاشته شده‌اند.

پیشینه تحقیق

در مورد حافظ و ابوالعتاهیه، تا کنون پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است؛ از قبیل مقاله «اثرپذیری پنهان حافظ از قرآن کریم در غزل پنجم دیوان او» از علی نظری، علی فتح‌اللهی، پروانه رضایی (۱۳۸۹)؛ مقاله «القیّم الإنسانیة والاجتماعیة فی الأدب العباسی» از اسماعیل نادری (۱۳۸۸)؛ «مضامین زهدآمیز در اشعار خاقانی و ابوالعتاهیه» از مریم محمودی و شیما فرجی‌فر (۱۳۹۳)؛ «تأثیر کلام امام علی در اشعار ابوالعتاهیه» از وحید سبزیان‌پور (۱۳۸۸)؛ «تجلی مضامین قرآن کریم در شعر ابوالعتاهیه» از جهانگیر امیری (۱۳۸۵)؛ «آرایه‌های قرآنی در شعر ابوالعتاهیه» از جهانگیر امیری و شهریار همّتی (۱۳۹۰).

دو پژوهش اخیر، چنانکه از عناوین آن‌ها برمی‌آید، یکی به بررسی مضامین مشترک میان قرآن کریم و اشعار ابوالعتاهیه پرداخته و دیگری نقد بلاغی اشعار ابوالعتاهیه را در ارتباط با قرآن و وجهه همّت خود قرار داده است و نگارنده در پژوهش حاضر از این دو پژوهش یادشده در جست‌وجوی روابط بینامتنی قرآن و اشعار ابوالعتاهیه، با رویکردی تحقیقی، سود برده، اما به آن‌ها بسنده نکرده است. نگارنده، مقاله‌ای با عنوان «جلوه‌های تأثیرپذیری از قرآن در شعر حافظ و ابوالعتاهیه» را با همکاری صدیقه اسدی‌مجرب در دومین کنگره بین‌المللی زبان و ادبیات فارسی (۱۳۹۴) ارائه کرده که نمونه‌گیری محدودتر مقاله اشاره شده و عدم رجوع نویسندگان به نسخه‌ها و چاپ‌های متفاوت دیوان حافظ و ابوالعتاهیه، نتیجه‌گیری‌ای شتاب‌زده و فاقد دقت علمی را به دنبال داشته؛ از همین روی این پژوهش کوششی نوین با نتیجه‌گیری‌ای دارای دقت علمی از نگارنده به شمار می‌رود.

تا کنون پژوهشی تطبیقی دقیقی پیرامون شگردهای تأثیرپذیری از قرآن در شعر حافظ و ابوالعتاهیه انجام نپذیرفته؛ از همین روی، این پژوهش، پژوهشی نو و جدید به شمار می‌آید.

پرسش‌ها و فرضیه‌های تحقیق

آیا اقتباس‌های قرآنی حافظ و ابوالعتاهیه یکسان بوده است؟
- به نظر می‌رسد تفاوت‌هایی میان اقتباس‌های قرآنی حافظ و ابوالعتاهیه وجود داشته باشد.

این تفاوت‌ها را چگونه می‌توان تحلیل نمود؟
- شاید، سطح هنری و توسع اندیشگانی متمایز این دو شاعر، عامل اصلی این تفاوت‌ها باشد.

زندگی‌نامه و شعر حافظ و ابوالعتاهیه

حافظ

شمس‌الدین محمد شیرازی، متخلص به حافظ و ملقب به "لسان الغیب" از شاعران نامدار فارسی زبان می‌باشد. تاریخ تولد او را بعضی سال ۷۹۲ق و برخی ۷۲۰-۷۳۰ پیش‌بینی کرده‌اند (صوفی، ۱۳۸۱: ۱۴۵). دیوان حافظ، دیوانی عرفانی است که محتوایی اخلاقی، اجتماعی و سیاسی دارد که این مضامین را با بیانی عرفانی و روحیه‌ای معنوی در اشعارش گنجانده است. او در علم قرآن بی‌نظیر و در علوم ظاهر و باطن مشاراً الیه بود (دولت‌شاه، ۱۳۱۸: ۳۱۰). در مورد بلاغت کلام حافظ گفته‌اند: «بلاغت او از جهت تعادل و ایجاز یادآور بلاغت قرآن است، به ویژه آشنایی او با کشف هم می‌بایست تأثیر بلاغت آن را در وی به مرحله خودآگاهی کشانده باشد» (زرین کوب، ۱۳۷۱: ۵۹).

ابوالعتاهیه

ابوالعتاهیه در حدود سال ۱۳۰ق در کوفه و بنا بر قولی در عین التمر، نزدیک انبار، متولد شد و به سال ۲۱۳ق در بغداد درگذشت و همانجا به خاک سپرده شد (فروخ، ۲۰۰۶: ۱۹۲). به گفته ابوالفرج اصفهانی وی به مذهب زیدیه گرایش داشت و امیرالمؤمنین علی(ع) را بعد از رسول خدا(ص) افضل خلق می‌دانست (همان: ۸). در بعضی از کتب شیعه از جمله «روضات الجنات» احتمال شیعه بودن او داده شده است (علیان، ۱۹۹۱: ۳۷). برخی او را متهم به زندقه کرده‌اند. مصطفی هداره چنین می‌گوید:

«ما از صمیم دل بر این باوریم که ابوالعتاهیه زندیق و کافر نبوده است، بلکه او صاحب ایمانی استوار بوده که در آن هیچ شکی نمی‌توان روا داشت» (همان: ۲۶۹). عموم صاحب‌نظران، *ابوالعتاهیه* را شاعری نوگرا دانسته‌اند (زیدان، ۱۹۸۳م، ج ۱: ۳۷۳). هنر او، تلطیف موضوعات خشک و بی‌روح، چون زهدیات است (فاخوری، ۱۳۶۸: ۳۱۸). او تواناترین افراد در انتخاب واژه‌های شیرین و استوار است؛ آنقدر در سرودن شعر استاد بود که می‌توانست با همه مردم، به زبان شعر سخن گوید (همان: ۳۱۷). شعر *ابوالعتاهیه* در دوره‌های مختلف زندگی با مضامین گوناگون نمایان شده است. در دوره‌های آغازین شعر او شامل غزل، مدح، رثا، هجاء، عتاب و استعطاف و... است. *ابوالعتاهیه* زندگی عاطفی خود را با عشق سعدی و غزل‌هایی که درباره او سروده است آغاز کرد که چیزی از آن به دست ما نرسیده و شاید *ابوالعتاهیه* خود آن‌ها را نابود کرده است (مسعودی، ۱۹۷۳م، ج ۴: ۳۸). «*ابوالعتاهیه* با آنکه مذهب شیعه داشت، بنی عباس را مدح می‌گفت، ولی بعدها کوشید تا شعر خود را از کشمکش‌های سیاسی که میان عباسیان بود دور نگه دارد، اما این بی‌طرفی هرگز به خیانت نکشید و برای تمتع از عطایای بنی عباس به مذمت آل علی زبان نگشود» (فاخوری، ۱۳۶۸: ۳۱۹). شعر *ابوالعتاهیه* همانند آب روان در روان بودن الفاظ و لطافت سبک است و از سخن رکیک و سست تهی است (ابن اثیر، ۱۹۶۵، ج ۱: ۲۵۰).

تأثیر قرآن بر شعر فارسی و شعر عربی در عصر عباسی

تأثیر قرآن بر شعر شاعران فارسی

پیشینه بهره‌گیری و اثرپذیری سخنوران پارسی از قرآن و حدیث به آغاز پیدایی و پاگیری شعر فارسی، یعنی نیمه‌های سده سوم می‌رسد. نشانه‌هایی از اثرپذیری قرآنی- حدیثی را در کهن‌ترین سروده‌های فارسی می‌توان یافت. این پیشینه به نخستین سروده پارسی باز خواهد گشت؛ به همان قصیده‌ای که تاریخ سیستان آن را نخستین شعر فارسی دانسته و از آن شعر دراز که در سال ۲۵۱ یا کمی پس از آن سروده شده، تنها شش بیت را یاد کرده است (نک. کاظمی، ۱۳۸۶: ۳۹) که بیتی از آن را برای نمونه ذکر می‌کنیم:

لمن الملك بخواندی تو امیرا به یقین با قلیل الفئه کت زاد در آن لشکر کام
(بهار، ۱۳۸۱: ۲۱۶)

«لمن الملك» اشاره دارد به گزاره قرآنی ﴿لمن الملك اليوم الله الواحد القهار﴾ (غافر/ ۱۶). تجلی قرآن و حدیث در سروده‌های پارسی‌گویان سده‌های سوم و چهارم چندان گسترده و پرپیمان نیست، از این روی که شعر فارسی هم دوران کودکی و نوجوانی خود را می‌گذراند و هم مایه و مضمون آن بیش‌تر بر محور مدح و ستایش و یا عشق و غزل می‌چرخد و این مایه‌ها با قرآن و حدیث کم‌تر زمینه پیوند دارد. با گذشت زمان و گسترش شعر فارسی و به ویژه، پیوند آن با پاره‌ای از پدیده‌های فرهنگی که پیوند استوار و نزدیکی با قرآن و حدیث داشت و نیز پدید آمدن پاره‌ای از سخنوران که افزون بر طبع توانای شاعری، در قرآن و حدیث و معارف اسلامی نیز دستی پر توان داشتند، زمینه‌ای فراهم شد تا تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی گسترش روز افزون یابد و سرانجام در سده‌های هفتم و هشتم، به‌ویژه در «مثنوی» و دیوان حافظ به اوج خود برسد (نک. کاظمی، ۱۳۸۶: ۴۱).

تأثیر قرآن بر شعر شاعران عصر عباسی

تأثیر قرآن در عصر عباسی اول وسعت عمیقی یافت؛ چراکه دولت استقرار یافت و برای برپایی حلقه‌های درس در مساجد و مکتبخانه‌ها فرصت بیش‌تری به وجود آمد و به سادگی قرآن را در مراکز تعلیم و تدریس فرا می‌گرفتند و هیچ‌کس خواهان فراگیری علوم دینی و عربی نبود، مگر اینکه دو اصل اسلامی، یعنی قرآن و حدیث را فرا گیرد و حفظ کند (الباقوری، ۱۳۸۲: ۳۵۰). از جمله شاعران عصر عباسی که به حفظ و فهم قرآن و حدیث اقدام کردند، خلیل بن احمد فراهیدی، عبدالله بن مبارک، محمد بن کناسه، ابن رومی، ابوالعتاهیه و... را می‌توان نام برد (فروخ، ۲۰۰۶م: ۱۳۹).

تأثیر فنی بر شعر شاعران عصر عباسی طبیعی بود؛ زیرا آنان به دنبال فهم و یادگیری قرآن بودند. ابونواس با وجود بی‌بند و باری قرآن می‌خواند و بنا بر شهادت دیوانش متأثر از قرآن بود (نک. مختاری، ۱۳۸۴: ۱۲۲). علاوه بر اسلوب بلاغی قرآن، مسلمانان از معانی و مفاهیم آن نیز متأثر بودند و تأثیر مفاهیم و معانی قرآن عمیق‌تر و وسیع‌تر از صور

بلاغی آن بود، زیرا معانی قرآن راه زندگی انسان را، به گونه‌ای کامل، بیان می‌کند و نظام دقیق زندگی بشر، سعادت دنیا و آخرت و رسیدن به بهشت را برای مردم محقق می‌کند. یکی از پدیده‌های شگفت‌انگیز این عصر، تأثیر عمیق قرآن بر زهد عصر عباسی است؛ وقتی چیزی از آن‌ها سؤال می‌شد، جز با آیات قرآن جواب نمی‌دادند؛ پدیده زهد بسیار متأثر از قرآن است (الباقوری، ۱۳۸۲: ۳۴۵).

تأثیر قرآن بر شعر حافظ و ابوالعناهیة

تأثیرپذیری حافظ از قرآن

دکتر محمد/استعلامی راجع به حافظ، شاعر بزرگ ایرانی، می‌گوید: «حافظ حافظ قرآن است؛ نه اینکه آیه‌ها را از بر بخواند؛ یک حافظ قرآن معنی هر آیه را هم می‌داند و از ربط هر آیه با آیه‌های دیگر هم آگاه است. می‌داند که در خواندن هر واژه و تعبیر، چه نظرهای متفاوتی بوده و هست» (استعلامی، ۱۳۸۷: ۳۶-۳۷). دکتر مجتبیایی نیز پیرامون اثرپذیری حافظ از قرآن کریم اظهار می‌دارد: «... البته این سخن و نظرگاه کسی است که حافظ قرآن است و آن را با چهارده روایت از بر می‌خواند و هرچه دارد، همه از دولت قرآن دارد و از گریه و دعای نیمه‌شب. او کسی است که در سراسر دیوانش کم‌تر غزلی را می‌توان یافت که در آن به نوعی - به تصریح یا تلویح - اشارتی به قرآن کریم و یا اقتباسی از آن نیامده باشد» (مجتبیایی، ۱۳۸۶: ۱۹).

حافظ همه وجود خود را از برکت قرآن می‌داند و می‌گوید:

صبح‌خیزی و سلامت‌طلبی چون حافظ هرچه کردم همه از دولت قرآن کردم
(حافظ، ۱۳۷۷: ۴۳۱)

تأثیرپذیری حافظ از قرآن به شیوه‌های گوناگون بوده است؛ گاه اقتباس او از یک آیه قرآنی به صورت مستقیم و گاه به صورت غیرمستقیم نمود پیدا کرده است.

الف. اقتباس مستقیم

اقتباس‌های مستقیم حافظ از کلام خداوند در دو حوزه درج کامل یک آیه و درج مفردات و ترکیباتی از یک آیه روی داده است:

درج کامل یک آیه: گاه *حافظ* آیه قرآنی را به صورت کامل، یا با اندکی تصرف، در بیت خود گنجانده است:

چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت شیوه جنات تجری تحتها الانهار داشت
(همان: ۱۰۸)

جمله «جنات تجری تحتها الانهار»، اقتباسی از آیه ﴿أَنْ لَّهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾ (البقرة / ۲۵) است. «که برایشان بهشت‌هایی است که در آن نهرها جاری است» همانگونه که ملاحظه می‌شود آیه بدون هیچ تغییری در کلمات آن، ذکر شده است. شب وصل است و طی شد نامه هجر سلام فیهِ حتی مطلع الفجر
(همان: ۳۳۹)

مصرع دوم، اقتباسی از آیه ﴿سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ﴾ (القدر / ۵) از قرآن کریم است. «(آن شب) تا دم صبح صلح و سلام است».

بیا ساقی بده رطل گرانم سقاک الله من کأسِ دهاق
(همان: ۶۲۶)

ترکیب «کأس دهاق» به معنای «پیمانه‌هایی لبریز»، اقتباسی از آیه ﴿وَكَأْسًا دِهَاقًا﴾ (النبا / ۳۴) است که عیناً، لفظ به لفظ، و به صورت کامل در بیت درج شده است.

درج مفردات و ترکیباتی از یک آیه: گاه نیز شاعر ترکیبی از یک آیه و یا مفرداتی از یک آیه را در اثنای ابیات خود گنجانده است:

تا نفخت فیهِ من روحی شنیدم شد یقین بر من این معنا که ما زانِ وی و او زانِ ماست
(حافظ، ۱۳۱۹: ۶۸)

ترکیب «نفخت فیهِ من روحی» قسمتی از آیه کریمه ﴿فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَوْلَاهُ سَاجِدِينَ﴾ (الحجر / ۲۸) است. «پس وقتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم، پیش او به سجده درافتید». چنانکه دیده می‌شود، ترکیب قرآنی بدون کوچک‌ترین تغییر و تحوّل در خلال بیت آورده شده است.

مگر وقت وفا پروردن آمد که فالَم لا تَدْرُنِي فرداً آمد
(حافظ، ۱۳۸۱: ۷۴۳)

عبارت «لا تذرنی فرداً» به معنای «مرا تنها مگذار»، اقتباسی از آیه ﴿وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ﴾ (انبیاء / ۸۹) است.

لمع البرق من الطّور و آنستُ به
فلعلیّ لک آتٍ بشهابٍ قبس
(حافظ، ۱۳۷۷: ۶۱۹)

«شهاب قبس» به معنای «پاره آتشی» اشاره به آیه ﴿إِذْ قَالَ مُوسَى لَأَهْلِهِ إِنِّي آنستُ نَارًا سَآتِيكُمْ مِنْهَا بَخِيرًا وَآنِيكُمْ بِشَهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ﴾ (النمل / ۷) دارد. «موسی به خانواده خود گفت من از دور آتشی دیدم، زودا که از آن برایتان خبری بیاورم یا پاره آتشی شاید گرم شوید»

می‌خور به بانگ چنگ و مخور غصه ور کسی
گوید تو را که غصه مخور گو هو الغفور
(همان: ۳۴۳)

کلمه «الغفور» به معنای «بخشنده» در مصراع دوم اقتباسی از آیه ﴿بِئْسَ عِبَادِي أَنَا الْغُفُورُ الرَّحِيمُ﴾ (الحجر / ۴۹) است. «به بندگانم خبر ده که من آمرزنده و مهربانم».

ب. اقتباس غیرمستقیم

اقتباس غیرمستقیم حافظ از قرآن در سه دسته جای می‌گیرد: درج مفهوم یک آیه، درج مضمونی مشابه تعبیرات قرآنی و تلمیح به داستان‌های قرآنی.

درج مفهوم یک آیه: شاعر گاه مفهوم آیه‌ای را در ابیات خود می‌گنجاند:

نشاط و عیش جوانی چو گل غنیمت دان
که حافظاً نبود بر رسول، غیرِ بلاغ
(همان: ۳۹۹)

مصراع دوم مضمون آیه ﴿مَاعَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ﴾ (المائده / ۹۹) را حلّ و درج کرده است. «پیامبر وظیفه‌ای جز رسانیدن پیام (الهی) ندارد و خداوند آنچه را آشکار و آنچه را پنهان می‌دارید می‌داند». شعر حافظ، آشکارا این آیه قرآنی را در ذهن خواننده تداعی می‌کند.

غمناک نباید بود از طعن حسودای دل
شاید که چو وابینی خیر تو در آن باشد
(همان: ۲۱۷)

این بیت مضمون آیه قرآنی ﴿وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ (البقره/ ۲۱۶) را به خاطر و یاد خواننده می‌آورد. «و بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است».

خونم بخور که هیچ ملک با چنان جمال
از دل نیایدش که نویسد گناه تو
(همان: ۵۵۶)

بیت برگرفته از مضمون آیه قرآنی ﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ ۖ كَرَامًا كَاتِبِينَ ۖ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ﴾ (الانفطار/ ۱۰-۱۲) است. «همانا که نویسندگان بزرگوار، شما را می‌پایند و آنچه را می‌کنید می‌دانند».

عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت
که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت
(همان: ۱۱۲)

این بیت حافظ اشاره به مضمون آیه ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ﴾ (انعام/ ۱۶۴) دارد. «هیچ باربردارنده‌ای بار گناه دیگری را بر نمی‌دارد».

درج مضمونی مشابه تعبيرات قرآنی:

کشتی شکستگانیم ای باد شرطه برخیز
باشد که باز بینم دیدار آشنا را
(همان: ۷)

در بیت فوق «کشتی شکسته» با مضمون عبارت ﴿فَإِن طَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخْرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا أَمْرًا﴾ (الکهف/ ۷۱)؛ تناسب و هماهنگی دارد. «پس برفتند و چون سوار کشتی شدند، خضر آن را سوراخ کرد، موسی گفت: آیا آن را سوراخ کردی تا مردمش را غرق کنی، به تحقیق که کار ناشایستی کردی».

ز رقیب دیو سیرت به خدای خود پناهم
مگر آن شهاب ثاقب مددی دهد خدا را
(همان: ۹)

حافظ در اینجا اشاره‌ای به آیه ﴿وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَاعْتَدْنَا لَهُمُ عَذَابَ السَّعِيرِ﴾ (المُلک/ ۵) داشته است. «و به تحقیق آسمان دنیا را به چراغ‌ها و قرار دادیم آن را برای شیطان رانده شده و آماده گردانیدیم برای ایشان عذاب آتش را».

دام سخت است مگر یار شود لطف خدای
ور نه آدم نبرد صرفه ز شیطان رجیم
(همان: ۵۰۰)

این بیت حافظ یادآور آیه ﴿إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي﴾ (یوسف / ۵۳) است.
«نفس، فراوان ما را به بدی می‌خواند، مگر آنکه پروردگرم رحم کند».

تلمیح به داستان‌های قرآنی:

این همه شعبده خویش که می‌کرد اینجا
سامری پیش عصا و ید بیضا می‌کرد
(همان: ۱۹۳)

این بیت، متذکر آیات ﴿فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ وَنَزَعَ يَدَهُ فَزَاهِي إِيضًا لِلنَّظِيرِينَ﴾
(الشُّعْرَاءُ / ۳۲-۳۳) می‌باشد که داستان حضرت موسی و انداختن عصا و ازدها شدن آن و
همچنین ید بیضای او را به خاطر می‌آورد. «عصایش را انداخت، به آشکارا ازدهایی شد و
دستش را بیرون آورد، در نظر بینندگان سپید می‌نمود».

یار مفروش به دنیا که بسی سود نکرد
آن که یوسف به زر ناسره بفروخته بود
(همان: ۲۸۶)

مصراع دوم بیت، اشاره به داستان حضرت یوسف دارد و حافظ در آن به
شخصیت‌های قرآنی پرداخته و با الهام از شخصیت‌های قرآنی، زیبایی بیتش را دو چندان
ساخته است.

بیت تداعی گر آیه ﴿وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ﴾ (یوسف / ۲۰)
است. «(سرانجام) او را به بهای کمی، چند درهم، فروختند و نسبت به (فروختن) او،
بی‌رغبت بودند (چراکه می‌ترسیدند رازشان فاش شود)».

ای هدهد صبا به سبا می‌فرستمت
بنگر که از کجا به کجا می‌فرستمت
(همان: ۱۲۵)

این بیت حافظ تداعی گر معنای آیه ﴿أَنْهَبُ بَكْتَابِي هَذَا فَالِقَهُ لِيَهُمْ﴾ (النمل / ۲۸) است.
«این نامه مرا ببر و نزد آن‌ها بینداز. بیت تلمیح به داستان سلیمان (ع) و دادن نامه به
هدهد، برای رساندن به بلقیس، ملکه سرزمین سبا، دارد.»

تأثیرپذیری ابوالعتاهیه از قرآن

ابوالعتاهیه گاهی آیات را بدون هیچ دخل و تصرفی ذکر کرده، اما گاهی نیز آیات قرآنی را در آفرینش سیاقی نو و متفاوت با سیاق اولیه به کار برده و با این شیوه زیبایی و لطافتی خاص به اشعار خود بخشیده است، بدون اینکه به قداست مفردات و عبارات قرآنی خدشه‌ای وارد شود. *ابوالعتاهیه* به شدت تحت تأثیر قرآن و مضامین والای آن است. این تأثیرپذیری گاه به صورت اقتباس کامل از آیات قرآنی و گاه با اندکی تغییر و گاه اقتباس از یک کلمه قرآنی و گاه به صورت غیرمستقیم و اقتباس از مضمون آیات است.

الف. اقتباس مستقیم

شعر *ابوالعتاهیه* در برداشت‌های مستقیم از آیات الهی، از دو حوزه درج یک آیه کامل (گاهی با اندکی تصرف) و درج مفردات و ترکیباتی از یک آیه بارور گردیده است.

درج یک آیه کامل:

فَإِنْ نَحْنُ عُشْنَا يَجْمَعُ اللَّهُ بَيْنَنَا
وَإِنْ نَحْنُ مِتْنَا فَالْقِيَامَةُ تَجْمَعُ
(*ابوالعتاهیه*، ۱۴۱۷: ۳۷۱)

- اگرما زنده بمانیم، خدا ما را جمع می‌کند و اگر بمیریم، باز هم خدا ما را در قیامت گرد هم می‌آورد و جمع می‌کند
بیت *ابوالعتاهیه* تداعی گر بخشی از آیه کریمه ﴿قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبَّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ﴾ (سبأ/ ۲۶) است. «بگو پروردگار ما میان ما و شما را جمع نموده و سپس به حق بین ما داوری می‌کند»

تموتُ فرداً وتأتی
يومَ القيامةِ فرداً
(همان: ۱۲۶)

- تنها می‌میری و در روز قیامت به تنهایی می‌آیی (محشور می‌شوی)
این بیت نیز یادآور آیه ﴿وَكَلَّمَآتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا﴾ (مریم/ ۹۵) است. «و همگی‌شان در روز قیامت تنها نزد او می‌آیند».

ألا أتما الدنيا متاعاً غرور
و دارُ صُعودٍ مَرَّةً و حُدُورٍ
(همان: ۱۵۷)

- آگاه باش که این دنیا کالای فریب است و سرای فراز و نشیب
در این بیت چنانکه ملاحظه می‌شود، اقتباسی از آیه ﴿وما الحياة الدنيا الا متاع الغرور﴾
(آل عمران / ۱۸۵) به چشم می‌خورد. «و زندگی دنیا جز متاعی فریبنده نیست»

درج مفردات و ترکیباتی از یک آیه:

المرء آفته هوى الدنيا
والمرء يطغى كلما استغنى
(همان: ۱۷۰)

- آفت انسان، عشق به دنیا است و انسان هرگاه که بی‌نیاز شود، سرکش می‌گردد
در مصرع دوم ترکیب «یطغى كلما استغنى» یادآور آیات ﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ﴾
(العلق / ۶-۷) است. حقا که انسان سرکشی می‌کند، هرگاه که خود را بی‌نیاز
ببیند.

أفَّ لِلدُّنْيَا فليست هى بدار
أتما الراحة فى دار القرار
(همان: ۱۵۷)

- اف بر دنیا باد که سرای فانی است و قطعاً راحتی و آسایش در سرای آخرت است
این بیت با اندکی تغییرات و حذف برخی از کلمات، تداعی گر آیه ﴿يا قوم أتما هذه الحياة
الدنيا متاعاً وان الآخرة هى دار القرار﴾ (الغافر / ۳۹) می‌باشد.

- ای قوم من، این زندگی دنیا تنها کالایی [ناچیز] است و در حقیقت آن آخرت
است که سرای پایدار است

من لم يوال الله والرسل التى
نصحت له فوليها الطاغوت
(همان: ۹۳)

- هر کس خدا و فرستادگانی را که او را پند و اندرز می‌دهند به ولایت و
سرپرستی برنگزیند، پس طاغوت ولی و سرپرست او خواهد بود

در این بیت کلمات «ولی، الطاغوت» اقتباس شده از آیه ﴿الله ولي الذين آمنوا يخرجهم من
الظلمات إلى النور والذين كفروا أولياؤهم الطاغوت﴾ (البقرة / ۲۵۷) است. «خداوند سرور کسانی

است که ایمان آورده‌اند. آنان را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی به در می‌برد، ولی کسانی که کفر ورزیده‌اند، سرورانشان [همان عصیانگران] طاغوت‌اند.»

يَا رَبِّ إِنَّ الْهَدَىٰ لَهْدَاكَا
إِنَّ أَنْتَ لَم تَهْدِنَا ضَلَّلْنَا
(همان: ۱۷۲)

- اگر تو ما را هدایت نمی‌کردی، گمراه می‌شدیم؛ خدایا، همانا هدایت، قطعاً هدایت توست

مصراع دوم اقتباسی با اندکی تغییر از بخشی از آیه ﴿قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهَدَىٰ﴾ است (البقرة / ۱۲۰). «همانا هدایت، هدایتی است که از جانب خدا باشد». و فقط کلمات «إِنَّ، هدی، الهدی» عیناً منطبق با آیه مذکور است، هرچند که از نظر معنایی مصراع دوم همان مضمون آیه را در بر دارد.

غَرَّ الْوَجُوهَ مَحْجَبَاتٍ
قَاصِرَاتِ الطَّرْفِ حَوْرٍ
(همان: ۱۶۵)

- سپیدرو و در حجاب هستند، چشم فروهشته و زیبا هستند در این بیت ترکیب «قاصرات الطرف» (چشم فروهشته)، اقتباسی از آیه کریمه ﴿فِيهِن قَاصِرَاتِ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّنَّسْ وَلَا جَانٌّ﴾ (الرحمن / ۵۶) وجود دارد. «در آن باغ‌های بهشتی زنانی است چشم فروهشته که دست احدی از جنیان و آدمیان بدان‌ها نرسیده است.»

واخفص جناحك ان رزقت تسلطاً
وارغب بنفسك عن ردى اللذات
(همان: ۱۲۰)

- هرگاه به سلطه و حکومتی دست یافتی، بالت را باز کن و از لذت‌های پست و بی‌ارزش دوری کن

ترکیب «واخفص جناحك» تداعی‌گر آیه ﴿واخفص لهما جناح الذل من الرحمة﴾ (الإسراء / ۲۴) است. «در برابر پدر و مادر بال و پر فروتنی بگستران.»

فأحسن جزاء ما اجتهدت
بقرضك تجزى والقروض ضروب
(همان: ۴۰)

- با قرض دادنت احسان کن تا خدایت پاداش دهد و قرض‌ها را گونه‌هایی است

کلمات «جزاء، قرض» اشاره به آیه ﴿إِنَّ الْمَصْتَقِينَ وَالْمَصْتَقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفْ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾ (الحديد / ۱۱۸) دارد. «خدا به مردان صدقه‌دهنده و زنان صدقه‌دهنده‌ای که به خدا قرض الحسنه می‌دهند، دو چندان پاداش می‌دهد و نیز آن‌ها را اجری نیکوست».

إِيَّاكَ وَالْبَغْيَ وَالْبَهْتَانَ وَالْغِيْبَةَ
وَالشُّكَّ وَالْكَفْرَ وَالطُّغْيَانَ وَالرِّبِيَّةَ

(همان: ۶۵)

- از ظلم و بهتان و غیبت و شک و کفر و طغیان و گناه و نگاه بد دوری کن

در این بیت کلمات «الغیبة، الشک، الريب» به آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظُّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظُّنِّ أَثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا...﴾ (الحجرات / ۱۲) اشاره دارند. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از گمان فراوان بپرهیزید. زیرا پاره‌ای از گمان‌ها گناه است و در کارهای پنهانی یکدیگر جست‌وجو نکنید و از یکدیگر غیبت مکنید».

أَيَّ يَوْمٍ يَوْمَ الْمَمَرِّ عَلَى النَّارِ
رِ وَأَهْوَالِهَا الْعِظَامِ الشَّدَادِ
أَيَّ يَوْمٍ يَوْمَ الْخُلَاصِ مِنَ النَّارِ
رِ وَهَوْلِ الْعَذَابِ وَالْأَصْفَادِ

(همان: ۲۰)

- چه روز(سختی) است روز عبور از آتش و ترس از آن روز بزرگ و سخت است

- چه روزی است روز خلاصی از آتش و ترس از عذاب و غل و زنجیرها

کلمه «الأصْفَاد» تداعی گر آیه ﴿وَتَرَى الْمَجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقْرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ﴾ (ابراهیم / ۴۹) می‌باشد. «و در آن روز گناهکاران را همگی در غل و زنجیر(اصفاد: ج الصّفَد) می‌بینی».

وَأَعْلَمُ بِأَنَّ الْمَرْءَ مَرَّ
تَهْنُ بِمَا كَسَبَتْ يَدَاهُ

(همان: ۱۴۲)

- و بدان که آدمی در گرو آن چیزی است که دستانش فراهم کرده است

کلمات «المرء، مرتهن، بما کسبت»، در این بیت برگرفته از آیه ﴿كُلَّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِيْنًا﴾ (الطّور / ۲۱) است. «هر کسی در گرو کار خویشتن است».

ب. اقتباس غیرمستقیم

اقتباس‌های قرآنی غیرمستقیم/ابوالعتاهیه، شامل درج مفهوم یک آیه در مطاوی اشعارش و تلمیح به داستان‌های قرآنی می‌شود.

درج مفهوم یک آیه:

فی سعة الخافقین مضطربُ وفی بلادٍ من اخبها بدل

(همان: ۱۲۸)

- در وسعت و پهناوری مشرق و مغرب، جای رفت و آمد است و هر شهری را میان شهرها همانندی است

در این بیت مفهوم آیه «أرض الله واسعة» (الزمر / ۱۰) گنجانده شده است. «زمین خداوند وسیع و گسترده است».

لیت شعری فإنی لست أری أی یوم یكون آخر عمری

وبأی بلاد تقبض روحی و بأی البلاد یحفر قبری

(همان: ۷۴)

- ای کاش می دانستم - که همانا من نمی دانم - پایان عمر من چه روزی است

- و در کدام کشور روحم گرفته می شود و در کدام کشور قبرم کنده می شود

این بیت شاعر مفهوم آیه «وما تدری نفس ماذا تکسب غداً وما تدری نفس بأی أرض تموت» (لقمان / ۳۴) را تداعی می کند. «کسی نمی داند فردا چه به دست می آورد و کسی نمی داند در کدامین سرزمین می میرد».

أنا لله وحده والیه أنما الخیر کله فی یدیه

(همان: ۱۱۲)

- ما از آن خدای واحد و یگانه ایم و به سوی او بییم، بی شک همه خیرات در دستان توانای اوست

شاعر در این بیت از مفهوم آیه کریمه «أنا لله وإنا الیه راجعون» (البقرة / ۱۵۶) بهره برده است.

لله عاقبة الأمور طوبی لمعتبر ذکور

(همان: ۱۶۶)

- عاقبت کارها برای خداست. خوشا به حال کسی که پند گیرد و پندپذیر باشد

مصراع اول تداعی گر مفهوم آیه «إلی الله ترجع الأمور» (الحج / ۷۶) می باشد. «همه

امور به سوی خدا باز می گردد».

تلمیح به داستان‌های قرآنی

لَتَنَالَنَّ مِنَ قُرُونٍ أَرَاهَا مثلَ مَا نِلْنَ مِنَ ثَمُودٍ وَعَادٍ

(ابوالعتاهیه، ۱۴۰۶: ۱۳۱)

- مرگ را می‌بینی که در گذار سده‌ها اقوامی مانند ثمود و عاد را دریافته (نیست و نابود کرده) است

در این بیت به آیه‌های ﴿فَأَمَّا ثَمُودُ فَاهْلَكَوَابِالطَّاغِيَةِ وَأَمَّا عَادٌ فَاهْلَكَوَابِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ﴾ (الحاقه / ۵-۶) اشاره شده است. «اما قوم ثمود به آن بانگ سهمگین هلاک شدند. و اما قوم عاد با وزش باد صرصر به هلاکت رسیدند».

أَيْنَ دَاوُودَ أَيْنَ أَيْنَ سَلِيمَا نَ الْمُنِيعِ الْأَعْرَاضِ وَالْأَجْنَادِ
رَاكِبُ الرِّيحِ قَاهِرُ الْجِنِّ وَالْإِنِّ سِ بَسُلْطَانِهِ مُذِلُّ الْأَعَادِ

(همان: ۱۳۱)

- داوود کجاست و (همانا) سلیمان نیرومند با آن همه لشکریان و سربازان کجاست
- که سوار باد بود و با قدرتش بر جنیان و آدمیان فرمان می‌راند و دشمنان را زبون می‌ساخت؟

در این ابیات به مفاهیم آیات ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا...﴾ (النمل / ۱۵) و ﴿وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوًّا شَهْرًا وَرَوْحًا شَهْرًا... وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ...﴾ (سبأ / ۱۲) اشاره شده است. «و ما به داوود و سلیمان علم دادیم». «و باد را مسخر سلیمان کردیم، بامدادان یک‌ماهه راه می‌رفت و شبانگاه یک‌ماهه راه، و گروهی از دیوها به فرمان پروردگارش برایش کار می‌کردند».

أَيْنَ نَمْرُودُ وَابْنُهُ وَأَيْنَ قَارُو نُ وَهَامَانَ أَيْنَ ذُو الْأَوْتَادِ

(همان: ۱۳۱)

- کجاست نمرود و پسرش و کجاست قارون و هامان و فرعون بر میخ‌کشنده؟
در این بیت مفهوم داستانی آیه ﴿وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُمُ الْمَوْسَى بِالْبَيِّنَاتِ فَأَسْتَكْبَرُوا بِالْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ﴾ (العنكبوت / ۳۹) گنجانده شده است. «و نیز قارون و فرعون و هامان را که موسی با دلیل‌های روشن خود نزد آن‌ها آمد، آن‌ها در زمین سرکشی می‌کردند، ولی نتوانستند از خدا بگریزند».

نتیجه بحث

حافظ و *ابوالعتاهیه*، هر دو، با زبردستی و مهارتی تمام، واژگان و آیات قرآنی را در سیاق ابیات و اشعار خویش به کار گرفته‌اند و ارتباطی دو سویه میان قرآن و شعر خود به وجود آورده‌اند. این حلّ و درج‌ها و اقتباس‌های قرآنی، افزون بر ایجاد موسیقی‌ای گوشنواز در اشعار این دو شاعر، ژرفای بیان مفاهیم و اندیشه‌های آنان را نیز دو چندان کرده است و هر دو با استفاده از شیوه‌های گوناگون اخذ و اقتباس از قرآن، به نحوی مطلوب به کعبه مقصود رسیده‌اند. هر دو شاعر، برای اشاعه پیام‌های اخلاقی و مضامین تعلیمی‌شان، از کلمات و معانی ذکر حکیم بهره‌مند گشته‌اند و آثاری را خلق کرده‌اند که دست تطاول زمانه نیز هرگز آن‌ها را از رونق و جذابیت و محبوبیت نخواهد انداخت. اقتباس‌های قرآنی *حافظ* در مقایسه با *ابوالعتاهیه*، فراگیرتر و شاعرانه‌تر است. از میان انواع اقتباس‌هایی که برای شعر *حافظ* مشخص شد، برساختن و درج مضامینی مشابه تعبیرات قرآنی را در شعر *ابوالعتاهیه* نمی‌توان مشاهده کرد. این نکته ریشه در تفاوت‌های هنری و شاعرانگی دیگرگون این دو شاعر دارد؛ *حافظ* در بسیاری از اقتباس‌های خود، اکسیر کلام خداوند را بر مضامین عاشقانه، سیاسی و اجتماعی سروده‌های خود زده و خاک را شأنی افلاکی داده است. ابداع مضامینی مشابه تعبیرات قرآنی، فرهنگ زبانی و اندیشگانی *حافظ* را ژرفا بخشیده و اشعارش را چندصدایی کرده، حال آنکه اقتباس‌های قرآنی اشعار *ابوالعتاهیه*، تک‌بعدی، اخلاقی و بیش‌تر زاهدانه است و هنرانگی صدای به یادگار مانده *حافظ* در گوش دل‌ها و جان‌ها را ندارد.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن اثیر، عزّ الدین علی بن محمّد. ۱۹۶۵م، **الکامل فی التاریخ**، بیروت: دار صادر.
- أبوالعناهیة، اسماعیل بن القاسم. ۱۴۰۶ق، **دیوان**، بیروت: دار بیروت للطباعة والنشر.
- أبوالعناهیة، اسماعیل بن القاسم. ۱۴۱۷ق، **دیوان**، گردآورنده مجید طراد، بیروت: دار الکتب العرب.
- استعلامی، محمد. ۱۳۸۷ش، **حافظ به گفته حافظ: یک شناخت منطقی**، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
- الباقوری، احمد حسن. ۱۳۸۲ش، **اثر القرآن فی اللغة العربیة**، ترجمه مهدی خرّمی، سبزوار: انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری انتظار.
- بهار، محمّد تقی ملک الشعرا (مصحّح). ۱۳۸۱ش، **تاریخ سیستان**، تهران: انتشارات معین.
- حافظ شیرازی، خواجه شمس الدّین محمّد. ۱۳۱۹ش، **دیوان حافظ**، به کوشش محمّد معین، تهران: شرکت طبع کتاب.
- حافظ شیرازی، خواجه شمس الدّین محمّد. ۱۳۷۷ش، **دیوان حافظ**، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: انتشارات صفی علیشاه.
- حافظ شیرازی، خواجه شمس الدّین محمّد. ۱۳۸۱ش، **دیوان حافظ**، بر اساس نسخه قزوینی و خانلری با مقابله نسخه‌ها و شرح‌های معتبر، به کوشش حسین علی یوسفی، تهران: نشر روزگار.
- راستگو، سید محمد. ۱۳۷۶ش، **تأثیر قرآن و حدیث در شعر فارسی**، تهران: انتشارات سمت.
- زرینکوب، عبد الحسین. ۱۳۷۱ش، **از کوچه رندان**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- زیدان، جرجی. ۱۹۸۳م، **تاریخ آداب اللغة العربیة**، بیروت: منشورات دار مکتبة الحیة.
- صوفی، لیللا. ۱۳۸۱ش، **زندگینامه شاعران ایران**، تهران: انتشارات جاجرمی.
- علیان، أحمد محمد. ۱۹۹۷م، **أبوالعناهیة حیاته وأغراضه الشعریة**، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- الفاخوری، حنا. ۱۳۶۸ش، **تاریخ الأدب العربی**، ترجمه عبد المحمّد آیتی، تهران: انتشارات توس.
- فروخ، عمر. ۲۰۰۶م، **تاریخ الأدب العربی**، بیروت: دار العلم للملایین.
- کاظمی، محسن. ۱۳۸۶ش، **تأثیر قرآن و حدیث در شعر فارسی**، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی علوم حدیث.
- مجتبایی، فتح الله. ۱۳۸۶ش، **شرح شکن زلف بر حواشی دیوان حافظ**، تهران: سخن.
- مختاری، قاسم. ۱۳۸۴ش، **میراث ماندگار ادب شیعی**، اراک: انتشارات دانشگاه اراک.
- مسعودی، ابو الحسن علی بن الحسین. ۱۹۳۷م، **مُرُوج الذهب ومعادن الجواهر**، تحقیق محمّد محی الدین عبد الحمید، بیروت: دار الفکر.

مقالات

شاملی، نصر الله و همکاران. ۱۳۹۲ش، «چگونگی حضور آیات قرآنی در اشعار عربی سعدی شیرازی»، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، سال ششم، شماره دوم، پیاپی ۲۰، صص. ۲۴۳-۲۸۱.

Bibliography

- The Holy Quran.
- Abul-Atahiya, Ismail ibin-e Qasim (1997), *Divan*, Compiler Majid Trad. Beirut: Dar-ol Kitab-el Arab.
- Abul-Atahiya, Ismail ibn-e Qasim (1986), *Divan*, Beirut: Dar-o Beirut let- Taba'a van-Nashr.
- Albaquri, Ahmed Hasan. (1997). The Effects of Qur'an in Arabic Literature, Mehdi KHorrani (trans.). Sabzevar: The Art and Culture Institute of Avay-e Entezar.
- Al-Fakhoury, Hanna. (2007), The History of Arabic Literature, Abdol-Mohammad-e Ayati (trans.). Tehran: Tus Press.
- Alian, Ahmad Mohammad. (1997), Abu-l-'Atahiya: His Life and His Poetic Porpuses. Beirut: Dar-ol Kotob-el Elmiyyah.
- Bahar, MohammadTaqi Malek-osh Sho'ra (amend.). (2002), The History of Sistan, Tehran: Mo'in Publishers.
- Este'lami, Mohammad. (2008), Hfiz according to Hafiz: One Logic Cognition, Tehran: Negah Institute Press.
- Farrukh, Omar. (2006), The History of Arabic Literature, Beirut: Dar-ol Elm-el Mollayin.
- Hafiz, Khaje Shams-od Din Mohammad. (1940). *Divan* of Hfiz, to try Mohammed Mo'in. Tehran: SHERkat-e Tab'-e Ketab.
- Hafiz, Khaje SHams-od Din Mohammad. (1998). *Divan* of Hfiz, to try KHalil Khatib Rahbar. Tehran: Safi Ali Shah Press.
- Hafiz, Khaje SHams-od Din Mohammad. (2002). *Divan* of Hfiz, based on Qazvini and Khanlari amendments and comparing with other valid Manuscripts and Explanations, To try Hosain Ali Yusofi. Tehran: Ruzgar Press.
- Ibn-o Athir, Izz-od Din Ali Ibn-o Mohammad. (1965), al-Kamil fet-Tarikh, Beirut: Dar-os Sader.
- Kazemi, Mohsen. (2007), The Effect of Qur'an and Hadith in Persian Literature, Management Center of Qom Seminary, Special Center of Hadith Science.
- Masoudi, Abol-Hasan Ali ibn-ol Hosain. (1937), *Moruj-oz Zahab va Ma'aden-ol Javaher*, research by Mohammad Mohy-od Din Abd-ol Hamid. Beirut: Dar-ol Fekr.
- Mojtabayi, Fath-ollalh (2007), The Explanation of Hair-breaker on the Notes of Hfiz's *Divan*, Tehran: Sokhan Press.
- Mokhtari, GHasem. (2005), The Enduring Legacy of Shi'ite Literature, Arak: Arak University Press.
- Rast-Gu, S. Mohammad. (1997), The Effect of Qur'an and Hadith in Persian Poetry, Tehran: Samt Press.

Shameli, Nasrollah, et al., (2013), "The Presence of the Verses of Holy Qur'an in Arabic Poems of Saadi Shirazi", Quarterly Specialty of Persian Poetry and Prose stylistics, the Sixth Year, the Second Number, successive 20, pp. 243- 281.

Sufi, Leila. (2002), The Biography of Iran Poets. Tehran: Jajarmi publishers.

Zarrinkub, Abdol-Hosain (1992), Az Kuche-ye Rendan, Tehran: Amir Kabir Publishers.

Zaydan, Jurji. (1983), The History of Arabic Literature, Beirut: Manshurat-o Dar-e Maktab-el Hayat.